



خبر

نگاهی به دعوای حقوقی در سریال برادر جان؛ طلبکاری از میت!

 	شاهرخ صالحیکره‌رودی
 	طلبکاری «کریم بوستان»
 	حقوقدان

این دعوا و جریان سریال می‌تواند در مواردی مورد نقد قرار گیرد. کریم بوستان، ۱۵ سال پیش با حاج بدری شراکت داشته و قرار بوده تا بخشی از پس‌انداز کریم نزد بدری بماند و در عوض سه‌دانگ حجره بدری در میدان میوه و تره‌بار به کریم برسد؛ حاج‌بدری که در سال ۱۳۸۲ فوت می‌کند، چاوش، وارث ارشد حاج‌بدری، زیر همه چیز می‌زند و بدهی پدرش را انکار می‌کند اما در واری این داستان چند نکته مغفول است.

حاج بدری تعهد کرده که نیمی از مغازه‌اش را در آینده به کریم بوستان انتقال دهد و چون چنین امری محقق نشده، پس مالکیتی هم برای کریم بوستان ایجاد نشده است؛ در دست‌نوشته باقی مانده از حاج‌بدری هم صرفاً عنوان شده بود که به کریم بوستان بدهکار است و بنابراین اثبات این‌که سه‌دانگ مغازه باید به نام کریم بوستان شود، قابل اثبات نیست و تنها چیزی که باقی می‌ماند همان طلب مالی کریم از بدری است.

طلب کریم بوستان از حاج بدری ۲۰۰میلیون تومان در سال ۱۳۸۲ بوده‌که براساس ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و تبدیل آن به نرخ روز براساس شاخص بهای بانک مرکزی، این رقم در سال ۱۳۹۸ حدود دو میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان خواهد بود.

کریم بوستان مدعی است که از حاج‌بدری طلب دارد و چاوش نیز به عنوان وارث حاجی منکر چنین طلبی است. کریم باید اثبات کند که طلبکار است و برای اثبات این امر، چهار راه دارد؛ یا سند و دست‌نوشته‌ای ارائه کند یا چاوش به عنوان وارث اقرار بر چنین بدهی کند یا کریم شاهی بیاورد یا در نهایت این‌که چاوش را قسم بدهد، دست‌نوشته حاج بدری مبنی بر این‌که «به کریم بوستان بدهکار است» سوزانده شد و دیگر سندی در دست نیست. تنها شاهد ماجرا هم آراز، برادر چاوش است که او هم تنها شاهد وجود سند بوده نه اصل طلب. چاوش هم در ظاهر داستان اقرار نمی‌کند.

در اثبات دعوای مالی، مدعی باید دو شاهد مرد عادل یا یک مرد و دوزن یا یک مرد شاهد عادل یا یک قسم به دادگاه ارائه کند تا بتواند دعوای خود را اثبات کند. شهادت «آراز» مبنی بر وجود دست‌نوشته تنها می‌تواند یک اماره باشد. زیرا حتی با وجود خود دست‌نوشته، بازهم امکان اظهار تردید نسبت به دست‌نوشته وجود داشت و باز باید کریم بوستان ثابت می‌کرد که دست‌نوشته مربوط به خود حاج بدری و مهر و امضای خود وی بوده است؛ بنا براین شهادت آراز، تنها می‌تواند تاحدی اثبات و جود سند باشد، نه اثبات مفاد آن!

مجموع این نکات نشان می‌دهد اثبات حق از سوی کریم بوستان، حتی با شهادت آراز، بازهم به‌راحتی قابل تحقق نیست. همچنین ۲۰۰ میلیون تومان سال ۱۳۸۲ در بهترین حالت معادل ۲/۳ میلیارد تومان حال حاضر است که بازهم پرداخت آن برای چاوش رقمی به حساب نمی‌آید.

عذرخواهی شبکه پنج سیما از پخش جملات اهانت‌آمیز يك مداح

شبکه پنج سیما ضمن محکوم کردن گفتار در تضاد وحدت يك مداح، از برادران و خواهران اهل سنت عذرخواهی کرد.

به گزارش جام جم، در پی پخش مراسم جشن میلاد امام حسن مجتبی (ع) در بخش کوتاهی از برنامه که به صورت زنده روی آنتن بود متأسفانه يك مداح برخلاف سیاست‌های وحدت‌آفرین رسانه ملی عمل کرده که این رفتار به هیچ وجه مورد تأیید شبکه نبوده و شبکه پنج سیما ضمن محکوم کردن آن از همه برادران و خواهران اهل سنت عذرخواهی می‌کند.

همچنین برخورد قاطع با تمامی افرادی که در این اتفاق نقش داشته‌اند، حتما صورت می‌گیرد.



«ایستاده در غبار» از شنبه روی آنتن شبکه ۳ می‌آید

نسخه سریالی فیلم سینمایی «ایستاده در غبار» به کارگردانی و نویسندگی محمدحسین مهدویان، از شنبه ۴ خرداد تا سه‌شنبه ۷ خرداد، هر شب از ساعت ۱۹ و ۲۰ دقیقه روی آنتن شبکه سه سیما قرار می‌گیرد.

به گزارش جام جم، این فیلم به تهیه‌کنندگی حبیب‌ا... والی‌نژاد محصول

نگاهی به بازی بازیگران اصلی مجموعه «برادر جان» و مقایسه با نقش‌های قبلی کارنامه‌شان

ما تماشاکنان بوستانیم!

علی نصیریان: **کریم بوستان**

ستاره بود، ستاره است، ستاره خواهد ماند

بعضی القاب هست که وقتی به افراد نسبت داده می‌شود، به حق بر تنش‌ان می‌نشیند و گویی لباسی است که از ابتدا بر اساس قامت خودشان دوخته شده است. لقب‌هایی مثل سعدی سپنمای ایران برای مرحوم علی حاتمی که با توجه به چیره‌دستی او در ادبیات و دیالوگ‌های مسجعی که در آثارش می‌نوشت به او داده شد یا مرد هزار چهره سینما برای اکبر عبدی با توجه به گریم‌های مختلفی که در آثار مختلف تجربه کرد، از جمله این آثار است. سینمای ایران البته يك استاد هم دارد؛ استاد علی نصیریان یا همان بزرگ‌آقای سینما که با گذشت ۸۴ سال از عمرش، هنوز که هنوز است بازی‌های مختلفش چه در سینما و چه تلویزیون انگشت به دهان‌مان می‌گذارد و لقب استادی‌اش را بیش از پیش برپایمان ثابت می‌کند.

استاد نصیریان که علاوه بر بازی در عالم سینما هم تعدادی نقش درخشان در کارنامه دارد، پیش از بازی در برادر جان در مجموعه‌هایی چون جلال‌الدین، خسته‌دلان، زمین انسان‌ها، شیخ بهایی، میوه ممنوعه، پرواز در حباب، روشن‌تر از خاموشی و همسایه‌ها ایفای نقش کرد. با این حال شاخص‌ترین نقش تلویزیونی او در این سال‌ها همان حاج فتوحی در مجموعه میوه ممنوعه به کارگردانی حسن فتعی است که از قضا آن مجموعه هم اثری‌رمضانی بود و در این ماه از شبکه دو روی آنتن رفت. حاج یونس فتوحی سریال میوه ممنوعه، مردی خداترس و معتقد به حلال و حرام بود که در کنار همسرش (گوهر خیراندیش) و فرزندانش زندگی خود را پیش می‌برد و فکر می‌کرد بعد از سال‌ها تلاش و سختی برای آجر به آجر روی هم چیدن پایه‌های زندگی‌اش، حالا به سال‌های ثبات و آرامش خیال رسیده است. با این حال در اثر کردار و رفتار فرزند بزرگش جلال (با بازی امیرجعفری) که در مقایسه با دیگر اعضای خانواده‌اش قدری ناخلف می‌زد، حاج یونس پا پیش گذاشته و در این راه با دختری به نام هستی (هانیه توسلی) که از جانب جلال مورد اذیت بود آشنا شد. از اینجا به بعد، میان حاج یونس و هستی رابطه‌ای مشابه به همان رابطه شیخ صengan و دختر ترسا ایجاد شد و یونس آپروی چندین ساله و زهدی که برای خود جمع کرده بود را در راه رسیدن به هستی در معرض حراج گذاشت. یکی از تماشایی‌ترین نقاط این داستان، وقتی بود که یونس در مسجد محل و در حضور افرادی که يك عمر در کنارشان به نماز ایستاده بود، دلبستگی خودش را به هستی جاززد و بعد زاری‌کنان و در طلب رابطه به سراغ هستی رفت. حالا کریم بوستان در مجموعه برادر جان، شخصیتی تماما متفاوت با حاج یونس فتوحی است. برخلاف یونس و تمول مالی‌اش، کریم دست تنگی دارد و معاشش به سختی سپری می‌شود؛ در نتیجه سرش پایین و صدایش در جامعه آرام‌تر است. با این حال عزت نفس مشخصه بازی است که کریم دارد و حتی وقتی پیشنهاد دریافت پنهانی پولش از جانب چاوش را می‌شنود، در جواب می‌گوید يك عمر برای حقش ندویده که پنهانی پول بگیرد و صدایش خفه شود. از دیگر نقاط اوج بازی او، وقتی است که برای تهیه جهیزیه دخترخوانده‌اش لیلا که قرار است همسر آراز، برادر چاوش بشود، تاکسی‌ای که تنها دار و ندار خود و خانواده پسرش است را می‌فروشد و با دادن پول آن به چاوش می‌گوید که رسم ندارد دخترش را بی‌جهیزیه به خانه شوهر بفرستد. در مجموع و تا اینجا که از مجموعه گذشت، بازی نصیریان بزرگ‌ترین نقطه قوت برادر جان و عیار آن است که از تمام بازی‌های دیگر مجموعه، چند سرو گردن بالاتر محسوب می‌شود و البته چیزی را هم جز این نمی‌شود از او توقع داشت.

کامران تفتی: **حنیف**

از خود بیگانه

دیگر شخصیت محوری برادر جان که در اذیت‌های چاوش با او همدستی کرده و حتی می‌شود گفت اصلی‌ترین شخصیت اطرافش است که به رفتارهای حق‌کشانه او پال و پر می‌دهد، حنیف است. حنیف گرچه برادر واقعی چاوش نیست، اما از کودکی به منزله برادرخوانده‌ای برای او بوده و با او بزرگ شده است. با این حال چیزی که نبودش در حنیف خودنمایی می‌کند، کمبود عزت نفس در این شخصیت است که موجب رفتارهای تهاجمی در او شده، او را به سرسپرده چشم و گوش‌کور و کر چاوش تبدیل کرده و در واقع حنیف می‌کوشد با شلوغ‌کاری‌هایش در رفتار با دیگران، عیب‌های شخصیتی‌اش را که خودش به آنها واقف است بپوشاند.

در مورد خود کامران تفتی که نقش حنیف را ایفا می‌کند هم نکات جالب توجهی را می‌توان بررسی کرد. تفتی این روزها در یکی از پرکارترین سال‌های زندگی کاری‌اش است و حوزه‌های گوناگونی از بازیگری و اجرا را در کنار هم تجربه می‌کند. او حالا تنها بازیگری است که در دو کار رضانی این شب‌ها به طور همزمان حضور دارد و علاوه بر برادر جان در از یادها رفته هم نقشی تأثیرگذار را در داستان ایفا می‌کند. علاوه‌بر این، مجری‌گری دو برنامه وقتشه و دل صدا هم با اوست و از این منظر تفتی یکی از پرکارترین چهره‌های این روزهای تلویزیون است. با این حال به نظر می‌رسد این بازیگر باید درخصوص انتخاب نقش‌های بعدی‌اش قدری وسواس به خرج دهد تا تجربه‌ای که با بازی در برادر جان، از یادها رفته، میکائیل، سر دلبران و... به دست آورده، در نقش‌های بعدی‌اش از او يك تیپ عصبی و درگیر نسازد. به نظر می‌رسد با توجه به این تجربه‌ها، حالا تماشای تفتی در قالبی کاملاً متفاوت –مثلاً يك شخصیت مثبت یا طنز- می‌تواند دیدنی باشد.

عاطفه، لیلا، توکل، حلیمه، و دیگران

به قدر خود تاثیرگذار

دیگر شخصیت‌های مجموعه برادر جان چون عاطفه، لیلا، توکل، حلیمه، مهتاب و... هم گرچه شخصیت‌های اصلی مجموعه نیستند، اما هرکدام برای خود يك خط داستانی مستقل دارند که در دل خط داستانی اصلی مجموعه (کشمکش میان چاوش و کریم بوستان) تنیده شده و به موازات آن جلو می‌آیند. شخصیت عاطفه در این مجموعه که نسیم ادبی ایفایش می‌کند، خواهر بزرگ‌تر چاوش و آراز و شخصیتی به همان اندازه قدرتمند در طول داستان است. عاطفه را می‌توانیم یکی از بهترین بازی‌های نسیم ادبی در تلویزیون هم بدانیم. شخصیت‌های زن مجموعه‌هایی

۱۳۹۴ سازمان هنری رسانه‌ای اوج است. بازیگرانی چون هادی حجازی‌فر، امیرحسین هاشمی، سوده ازقندی، فرهاد فداکار و عماد محمدی در این فیلم نقش‌آفرینی کردند. این فیلم درباره احمد متوسلیان است که دوران نوجوانی‌اش را در سکوت گذرانده و اکنون فرمانده لشکری می‌شود که باید در

دروازه‌های خرمشهر با دشمن بجنگند. اما سرنوشت او فرسنگ‌ها دورتر از مرزهای ایران رقم می‌خورد. نسخه سریالی فیلم سینمایی ایستاده در غبار در چهار قسمت، از ۴ خرداد تا ۷ خرداد، هر شب از ساعت ۱۹ و ۲۰ دقیقه از شبکه سه سیما پخش می‌شود.



حسام منظور: **چاوش**

در مسیر پیشین

همین چند ماه پیش بود که مجموعه تلویزیونی بانوی عمارت به کارگردانی عزیزا... حمیدنژاد از شبکه سه سیما روی آنتن رفت و با توجه به فضای تاریخی آن که در عصر قاجار می‌گذشت و نیز کشش عاطفی قصه‌اش، نظر بسیاری از مخاطبان را به خود جلب کرد. از دیگر عوامل موفقیت بانوی عمارت، بهره بردن از بازیگرانی بود که آنها را تاکنون کمتر در نقش‌هایی مشابه نقش‌های این مجموعه دیده بودیم و چپنشی متفاوت را تشکیل می‌دادند.

یکی از این بازیگران، حسام منظور بود که نقش مرد اصلی قصه یا همان شاهزاده میرزا ارسلان قوانلوی قاجار را ایفا می‌کرد که شخصیتی پیچیده و غیرقابل حدس داشت. گرچه وی در تلویزیون اولین نقش‌آفرینی‌اش را با بانوی عمارت تجربه می‌کرد، با این حال در فضای تئاتر به قدر کافی شناخته شده است و سال‌هاست که در نمایش‌های مختلف روی صحنه می‌رود.

آنچه در بانوی عمارت از حسام منظور دیدیم، شخصیتی بود که حتی تا قسمت آخر، تکلیف مخاطب با او مشخص نبود. شخصیتی که در مرز خوب و بد و دوست‌داشتنی و منفور بودن حرکت می‌کرد؛ در قسمت‌هایی اقتدار مشخصه اصلی چهره و رفتارش بود، در قسمت‌هایی برای نوع‌وروشش، فخرالزمان (مریم مومن) عاشقی می‌کرد و حتی در قسمت‌هایی با توجه به مخصه‌ای که بعد از ترور ناصرالدین شاه قاجار گرفتارش شد، به عجز و ناتوانی رسید و تمام مشخصه‌های شخصیتی‌اش را از هم فروپاشاند.

حالا و به فاصله کوتاهی بعد از پخش بانوی عمارت، بازی منظور را این بار در برادر جان شاهد هستیم و در اینجا هم او دوباره شخصیتی اصلی و محوری است که اقتدار و بزرگی‌اش در ذهن‌های مردم از هر چیزی برایش مهم‌تر است و حتی با این‌که می‌داند حق‌دار نیست، صرفاً برای حفظ ظاهرش در مقابل محق بودن کریم مقاومت می‌کند. همین نگاه جانبدارانه و رفتار چاوش در لحظاتی حتی رو به گستاخ شدن هم می‌رود و او را مقابل بزرگ‌ترهایش می‌ایستاند. در این بین تنها نقطه ضعف چاوش و در واقع پاشنه آشیل او، علاقه‌اش به همسرش مهتاب (با بازی مارال فرجاد) است که احتمالاً هم در نهایت همین فشار مهتاب او را به خودش خواهد آورد. ای‌کاش منظور در این مجموعه کریم و ظاهری متفاوت از بانوی عمارت داشت که در

این صورت چاوش می‌توانست شانه به شانه میرزا ارسلان، به عنوان یکی از نقش‌های خوب کارنامه‌اش در سیما قرار بگیرد.

سجاد افشاریان: **آراز**

قیصر بخواب که آراز اینجاست!

شخصیت آراز مجموعه برادر جان، تا اینجا یکی از تیپیکال‌ترین نقش‌های این مجموعه است. آراز، برادر چاوش و عاطفه و فرزند کوچک خانواده بدری است که شخصیتی خوب و درستکار دارد. او تنها کسی است که نگران آرام نبودن روح پدرش است و اولین کسی هم هست که دستخط پدرش مبنی بر محق بودن کریم را پیدا می‌کند. آراز گرچه در زمانه امروز زندگی می‌کند، اما شمایی دهه شصتی دارد؛ فرهاد گوش می‌کند، شورولت سوار می‌شود و حتی به لحاظ نوع لباس پوشیدنش هم رگه‌هایی از آن دهه را دارد. عاشقی، دیگر خصیصه شخصیت آراز است. او از ابتدای قصه عاشق لیلا، دخترخوانده کریم بوستان است اما در میانه کشمکش‌های میان این دو خانواده، برای این‌که نگویند او به خاطر عشقش به لیلا مقابل چاوش ایستاده است، دست رد به علاقه لیلا می‌زند. با این حال حالا چند قسمتی است که این دو شخصیت با هم ازدواج کرده‌اند و آراز مصرانه‌تر از قبل در احقاق حق کریم پافشاری می‌کند.

سجاد افشاریان که بازی در نقش آراز، دومین نقش تلویزیونی کارنامه‌اش (بعد از سریال نجوا که همین چند وقت پیش پخش شد) هم هست، دستی بر آتش نوشتن و شاعری دارد و در تئاتر فعالیت‌هایش پررنگ‌تر است. او مدتی پیش نخستین کتاب شعر خود با نام «اسکارلت ده شصت» را توسط نشر چشمه روانه کتاب‌فروشی‌ها کرد و بیشتر از آن هم اجرای اشعار این کتاب را در قالب نوعی کنسرت توسط خودش و با صدای کینگ‌رام (سیدرامین سپیدامامی) روی صحنه برد که استقبال مخاطبان را هم در پی داشت.

با این حال به نظر می‌رسد نقش آراز نقطه چندان در خاطر ماندنی و درخشانی در کارنامه کاری او نبوده و برای خود افشاریان هم چندان جدی نیست.

خود برای برخی مخاطبان جذاب است.

لیلا با بازی ندا جبرائیلی، دخترخوانده کریم بوستان و خواهر تنی حنیف است که علاقه‌ای علنی هم به آراز دارد. لیلا گرچه به لحاظ فکری دختر مستقلی است، اما در میانه کشمکش‌های قصه‌گویی تا اندازه‌ای به حال خود رها شده و مجال عرض اندام را از دست داده است. توکل و حلیمه با بازی حسن پورشیرازی و لعیازنگنه هم دیگر خرده‌داستان این مجموعه هستند که از اواسط قصه به این سو پررنگ‌تر می‌شوند. توکل که نقش دایی چاوش، عاطفه، آراز و ستار را بر عهده دارد، در گذشته شخصیتی جاهل مسلک داشته است و



سوءرفتارش منجر شده است که طاقت همسر جوانش (حلیمه) طاق شده و او همراه با پسر کوچکشان از خانه فرار کرده و از دست توکل به کشور همسایه (کویت) پناه ببرد. توکل البته حالا توبه کرده و مشابه نقشی که هوشنگ توکلی در زیر تیغ بر عهده داشت، میانجیگری دعوای میان دو خانواده را بر عهده دارد. با از راه رسیدن حلیمه و آوردن خبر مرگ پسرش، خط داستانی او و توکل در قصه پررنگ‌تر می‌شود؛ هرچند طراحی شخصیت حلیمه با توجه به ویژگی‌های ظاهری و رفتاری لعیازنگنه چندان قوی صورت نگرفته است و او اگرچه به خاطر زندگی‌کردنش در کشور کویت پوشش و شمایل ظاهری زنان عرب را دارد، اما در حرف زدنش لهجه غلیظ و تهرانی‌زنگنه خودنمایی می‌کند. به نظر می‌رسد که اگر خط داستانی این دو شخصیت قطع می‌شد، آسیب چندانی به قصه نمی‌خورد و برادر جان همچنان در مسیر خودش پیش می‌رفت.